

چالش‌های فراروی نظام حقوق اساسی عراق در پرتو حقوق بین‌الملل بشر

دژوار انور احمد^۱، عباد روحی^۲، جوانمیر عبداللهی^۳

چکیده

نظام قانون اساسی عراق در پرتو قوانین بین‌المللی حقوق بشر با چالش‌هایی چندوجهی مواجه است. این مقاله به بررسی مسائل کلیدی می‌پردازد که مانع اجرای مؤثر نظام حقوق اساسی در عراق می‌شود. چالش اصلی، ناآگاهی شهروندان در درک درست از حقوق اساسی خود است که با سال‌ها دیکتاتوری و آشفتگی سیاسی تشدید شده است. نظام قانون اساسی عراق از طریق تعامل پیچیده عوامل تاریخی، میراث استعماری و شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای و قومی تکامل یافته است. قانون اساسی فعلی که در سال ۲۰۰۵ تصویب شد، عراق را یک جمهوری اسلامی فدرال و پارلمانی اعلام می‌کند که حقوق بشر را تضمین و اختیارات مقامات قضایی را مشخص کرده است. با این وجود، در عمل، حقوق بشر در عراق به طور مکرر نقض می‌شود و زنان و اقلیت‌ها با تبعیض و دسترسی محدود به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی مواجهند.

این مقاله در مورد ترویج آموزش حقوقی و کارزارهای آگاهی برای تقویت نظام حقوق اساسی عراق و رسیدگی به چالش‌های حقوق بشر بر اساس قانون اساسی بحث می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد افزایش درک مردم عراق از حقوق قانونی خود برای پاسخ‌گویی دولت و حاکمیت قانون بسیار مهم است. هم‌چنین در پیش‌گرفتن رویکردی حقوقی و سازمانی جامع برای بهبود وضعیت حقوق بشر در عراق با تأکید بر برنامه‌های تدریجی و هماهنگ فرهنگی برای جلوگیری از خشونت مبتنی بر جنسیت و حمایت از قربانیان اهمیت دارد.

واژگان کلیدی: حقوق اساسی عراق، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، قانون اساسی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، dzhwar.jnp@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، (نویسنده مسئول)، ibadruhi@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، j.abdolahi@uok.ac.ir

مقدمه

ایجاد نظام حقوق اساسی منسجم برای هر کشوری حیاتی است که برای حمایت از اصول حاکمیت قانون و حقوق بشر بین‌المللی می‌کوشد. عراق، کشوری با تاریخ پرتلاطم است که با چالش‌های متعددی در تضمین اثربخشی و اجرای نظام حقوق اساسی خود مواجه است. هدف این مقاله، بررسی برخی از چالش‌های کلیدی است که عراق در این زمینه با آن‌ها روبه‌روست. یکی از چالش‌های اصلی، ناآگاهی شهروندان در درک درست از حقوق اساسی خود و شیوه اعمال آن است که با سال‌ها دیکتاتوری و آشفتگی سیاسی تشدید شده است. این ناآگاهی، توانایی افراد را برای پاسخ‌گوسازی دولت و هم‌چنین حاکمیت قانون مختل می‌کند.

عراق، کشوری است با قومیت‌ها و مذاهب متعدد که با وجود سابقه کهن تمدنی، پس از جنگ جهانی اول در جغرافیای سیاسی منطقه پدیدار شد و تاکنون از هویتی باثبات برخوردار نشده است. این کشور با پیشینه‌ای پرمسئله و بغرنج در آوریل ۲۰۰۳ به اشغال نیروهای آمریکایی درآمد و در اکتبر ۲۰۰۸ در روندی پرفراز و نشیب، صاحب قانون اساسی شد.^۱

بنابراین، ترویج آموزش حقوقی و کارزارهای آگاهی برای اطلاع‌رسانی به شهروندان در مورد حقوق قانونی خود برای تقویت نظام حقوق اساسی عراق ضروری است. نظام قانون اساسی عراق از طریق تعامل پیچیده عوامل تاریخی، میراث استعماری و شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای و قومی تکامل یافته است. این کشور هم‌چنان با این چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کند؛ زیرا در تلاش برای ایجاد نظم اساسی باثبات و فراگیر است.

تدوین قانون اساسی، مهم‌ترین واقعه‌ای بود که می‌توانست سرنوشت آینده عراق را تعیین کند. بنابراین، فرآیند تدوین قانون که تأثیر آن بر متن نهایی قانون اساسی انکارناپذیر است، بسیار پرچالش و تأمل برانگیز سپری شد.^۲ عراق پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، دست‌خوش تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای شد و به محملی برای اشغالگری آمریکا، انگلیس و متحدانشان و نیز تروریسم فزاینده تبدیل گردید که حاصل آن، موجی گسترده از بمب‌گذاری، کشتار و ناامنی بود.

۱. احمدی، فرج‌الله و یاسر قزوینی حایری، «فرآیند تصویب قانون اساسی عراق»، فصل‌نامه سیاست، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص ۲۰.

۲. غفاری، هدی و فاطمه نظری، «بررسی و تبیین جایگاه شریعت در نظام حقوقی کشور عراق با تأکید بر نقش مرجعیت»، مطالعات حقوق عمومی، دوره چهارم و ششم، شماره ۳، ۱۳۹۵، ص ۶۴۶.

وجود دولت شکننده در عراق به جهت حضور اشغالگران و ضعف‌های کارکردی هرگز نتوانسته است کارویژه‌های اساسی دولت را عملی کند.^۱

قانون اساسی عراق، از اصول دموکراسی حقوق و آزادی‌های اساسی و نیز اسلام به عنوان مبانی نظام و مشروعیت قوانین ناشی از آن تبعیت کرده است. هم‌چنین پذیرش و به رسمیت شناختن حداکثری اقوام، ادیان و مذاهب مختلف توسط قانون اساسی عراق که در بسیاری از مواد این قانون به چشم می‌خورد، از وجود نوعی اختلاف و تنوع در میان مردم این کشور حکایت دارد. از این رو، لزوم تأمین حداکثری حقوق تمامی گروه‌ها، احزاب و طوایف را باید از اصول مهم حاکم بر قانون اساسی کشور عراق قلمداد کرد.^۲

جنبش حقوق بشر، متولدشده بعد از جنگ جهانی، زوال چشم‌گیر حاکمیت و منافع ملی دولت‌ها را آشکار کرده است. از این رو، از سال ۱۹۴۵ به بعد، چگونگی برخورد دولت‌ها با شهروندان خود، حتی در قلمرو سرزمینی‌شان، دیگر موضوعی داخل در صلاحیت انحصاری دولت‌ها به شمار نمی‌رود و به مسئله‌ای بین‌المللی و حقوق بشری تبدیل شده است.^۳

وضعیت حقوق بشر در عراق و الحاق جمهوری عراق به معاهدات بین‌المللی، تلقی‌های بین‌المللی موجود در مورد این کشور را در پرتو هویت دینی آشکار می‌سازد. این امر به ویژه پس از سقوط صدام که مجامع بین‌المللی در انتظار بازنشاسی مؤلفه‌های این نظام دموکراتیک نوین هستند، تجلی بیش‌تری خواهد داشت. عراق در سال ۱۹۶۹، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به تصویب رساند، اما دو پروتکل اختیاری آن را که اولی مربوط به حق دادخواست فردی از کمیته حقوق بشر بود و دومی به محو مجازات اعدام مربوط می‌شد، امضا نکرد. هم‌چنین کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادپرستی در سال ۱۹۶۹ بدون حق شرط به تصویب رسید.^۴

۱. بهرامی، سیامک، «برداستی‌سازهانگاران از ریشه‌های تروریسم در غرب آسیا»، مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۷۷، ۱۳۹۶، ص ۲۵.

۲. صلاحی، سهراب و علی بهادری جهرمی، «ساختارهای اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق؛ مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره سوم، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۶۴.

۳. نعمتی، منوچهر، «تقابل اصل حاکمیت دولت‌ها و حقوق بشر فردی با تأکید بر وضعیت کردستان ترکیه و عراق»، مطالعات حقوق، شماره ۳۳، ۱۳۹۸، ص ۷۸.

۴. غفاری و نظری، پیشین، ص ۵۴۹.

در مورد پیشینه این پژوهش باید گفت که فرج‌الله احمدی در مقاله خود، «فرآیند تدوین قانون اساسی عراق»، شکل‌گیری قانون اساسی دایم عراق را موفقیتی چشم‌گیر در عرصه سیاسی عراق دانسته است. وضعیت قومی در عراق و تنوع اقوام در این کشور، نشان‌دهنده شکنندگی امور سیاسی در عراق است که پروژه موفق قانون اساسی عراق را به چالش کشیده و پرونده قانون اساسی عراق را مفتوح باقی گذاشته است.

هدی غفاری و فاطمه نظری در مقاله «بررسی و تبیین جایگاه شریعت در نظام حقوقی کشور عراق با تأکید بر نقش مرجعیت»، معتقدند عراق در تأکید بر هویت اسلامی خود در عرصه بین‌المللی خوش درخشیده است و بر تمایز خود از کشورهای غیر مسلمان تأکید دارد. در این میان، نقش آیت‌الله علی سیستانی در این تحولات و سعی ایشان بر سامان دادن به کشور عراق بسیار برجسته است.

با توجه به اوضاع سیاسی عراق از زمان حمله آمریکا به این کشور و تصویب قانون اساسی مصوب ۲۰۰۵ و تغییرات و تحولات موجود در این قانون از جمله به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی فرهنگی، فدرالیسم و اصل دموکراسی و جنگ‌های داخلی در زمان استقرار داعش در کشور عراق، حقوق بشر در این نظام همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. موضوع اصلی این پژوهش، چالش‌های پیش روی نظام حقوق اساسی عراق با توجه به شاخص‌های حقوق بین‌الملل بشر است. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

گفتار اول. تحولات قانون اساسی عراق

دولت عراق از یک کشور وابسته به بریتانیای کبیر به یک سلطنت و سپس به یک جمهوری پارلمانی تبدیل شده است. در این دوره‌ها، قوانین مشروطه دارای اهداف متفاوت، ویژگی‌های خاص خود و پیش‌نیازهای تاریخی بود. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که قانون اساسی عراق از سال ۱۹۲۵ از اصول نظام پارلمانی عدول کرد؛ زیرا نقش قوه مجریه غالب بود. این وضعیت، پایه و اساسی برای آماده‌سازی کشور برای گذار از یک دولت نظامی بریتانیا به یک سلطنت مشروطه شد.^۱

1. Zaid, Al-Ali and Yussef, Auf, *The Iraqi Constitution: Analysis of the Controversial Articles*. Solutions and Recommendations (Friedrich-Ebert-Stiftung Jordan & Iraq), 1st edition, 2020.

بند اول. قانون اساسی عراق، مصوب ۱۹۵۸

ژنرال عبدالکریم قاسم در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸، روز انقلاب در مورد قوانین موقت قانون اساسی، خطاب به مردم گفت: «[...] برای برآورده کردن خواسته‌های مردم، شورای دولتی را به عنوان رئیس جمهوری عراق موقتاً منصوب می‌کنیم که تا زمانی که مردم رئیس جمهور را انتخاب کنند، از قدرت استفاده خواهد کرد»^۱.

قانون اساسی ۱۹۵۸، بهبود زندگی، توسعه دموکراسی و حاکمیت قانون را به ارمغان نیاورد. این مسئله، نشان‌دهنده اراده نخبگان سیاسی بود که قدرت را در عراق به زور به دست گرفتند و به نفع خود عمل کردند. با این وجود، قانون اساسی مصوب ۱۹۵۸ به عنوان اولین قانون اساسی عراق در تاریخ ماندگار شد؛ چون تغییر شکل حکومت از سلطنتی به جمهوری را مشروعیت بخشید و تثبیت کرد.^۲

بند دوم. قانون اساسی عراق، مصوب ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴

قانون اساسی ۱۹۶۳ عراق به نمایندگی از شورای فرماندهی انقلاب ملی صادر گردید و «قانون شورای فرماندهی انقلاب ملی» نامیده شد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این قانون اساسی سنتی نیست؛ زیرا توسط دولتی که با کودتا به قدرت رسید، وضع شده بود. قانون اساسی جدید عراق در سال ۱۹۶۴ تصویب شد و شامل ۱۰۶ ماده بود که برای قانون اساسی موقت، طبیعی نیست؛ چون قانون اساسی موقت، اصلی‌ترین مقررات ساختار دولتی را قبل از تصویب قانون اساسی دائمی تنظیم می‌کند.^۳

ویژگی قانون اساسی ۱۹۶۴ عراق که توسط شورای فرماندهی انقلاب ملی تصویب شد، تبلور این واقعیت بود که در آن، اصول سوسیالیسم و سرکوب استثمار کارگران و نظام طبقاتی به منصفانه ظهور رسید. در مدتی کوتاه، چهار اصلاحیه در این قانون اساسی انجام شد که کاستی‌های آن را برجسته می‌کند. این قانون اساسی با وجود جزئیات مفاد و بندهای فراوان، با واقعیت سیاسی مطابقت نداشت. با توجه به این موضوع، قدرت سیاسی به نمایندگی از شورای فرماندهی انقلاب، کمیته‌ای را برای ایجاد قانون اساسی موقت جدید تشکیل داد.

1. Ammar Raad Ali Jihad, *Constitutional and Human Rights Issues and Trends in The Republic of Iraq: Struggling on the Way* - ESTUDIOS CONSTITUCIONALES, 2023.

۲. غفاری و نظری، پیشین.

3. Hanoosh, Yasmeeen, *The Chaldeans. Politics and Identity in Iraq and the American Diaspora* London, I. B. Tauris Bloomsbury Publishing Plc), *International Law Journal* (Vol. 31), 2019, pp. 387-412.

بند سوم. قانون اساسی موقت، مصوب ۱۹۷۰

قانون اساسی موقت جمهوری عراق در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسید. با این حال، اگرچه نویسندگان قانون اساسی، خواستار تلفیق واقعیت قانون اساسی و سیاسی از طریق آن بودند، این قانون اساسی چندین بار اصلاح شد. قانون اساسی موقت عراق در سال ۱۹۷۰ بیش از ۳۰ سال اجرا شد.

بند چهارم. قانون اساسی، مصوب ۲۰۰۵

پس از سرنگونی رژیم صدام حسین در ۴ سپتامبر ۲۰۰۳ و انحلال دولت انتقالی نظامی، تمام مفاد قانون اساسی ۱۹۷۰ منقضی شد و کشور عراق، خود را بدون قانون اساسی دید. وظیفه شورای ملی مطابق قانون «درباره اداره دولت»، تدوین قانون اساسی جدید کشور بود. کمیته‌ای از اعضای شورای ملی و متخصصان خارج، پیش‌نویس قانون اساسی جدید را در ۸ اوت ۲۰۰۵ آماده کرد که در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ به همه‌پرسی سراسری گذاشته شد. مشارکت رأی‌دهندگان، ۶۴ درصد از کل (۱۵ میلیون و پانصد هزار نفر) بود. ۷۹ درصد به تصویب قانون اساسی رأی مثبت دادند. قانون اساسی عراق که با همه‌پرسی در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ به تصویب رسید، اولین قانون اساسی دائمی عراق از زمان تصویب قانون اساسی عراق در سال ۱۹۲۵ است. قبل از آن، چندین قانون اساسی موقت بر نظام حقوقی حاکم بود. سرنوشت پیش‌نویس قانون اساسی توسط شهروندانی که حق شرکت در همه‌پرسی را دارند، تعیین می‌شود.^۱ با این حال، به هیچ وجه نمی‌توان آن را تا حد مطلق بالابرد یا روش استثنایی مؤثر در نظر گرفت. با این وجود، در همه‌پرسی، شهروندان فقط می‌توانند به پیش‌نویس قانون اساسی، رأی مثبت یا مخالف دهند، اما به هیچ وجه نمی‌توانند بر کیفیت آن تأثیر بگذارند.

قانون اساسی فعلی جمهوری عراق در سال ۲۰۰۵، این کشور را فدرال و جمهوری اسلامی پارلمانی اعلام می‌دارد و حقوق بشر، نظام مراجع و اختیارات آن‌ها را تضمین می‌کند. سیستم مقامات دولتی عراق مدرن در بخش سه قانون اساسی ۲۰۰۵ ترسیم شده است.^۲ عراق، نظام کلاسیک تفکیک قوا را در قالب سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه اجرا می‌کند. در تعریفی گسترده، یک بخش نمی‌تواند

1. Jensen, Erik, *Introduction to the Laws of Iraq and Iraqi Kurdistan*. Series Overview (Stanford, Stanford Law School), 2013, pp. 2-10.

۲. غفاری و نظری، پیشین.

تهدیدی برای اختیارات دیگری باشد؛ زیرا نمی‌تواند در حوزه مقام دیگر عمل کند. با این حال، اصل تفکیک قوا، نهادهای دولتی را به همکاری نکردن محکوم نمی‌کند، به این معنی که همه مقامات دولتی به طور نزدیک به هم مرتبط هستند و تحت نظارت و قدرت پاسخ‌گویی یکدیگر قرار دارند. قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ نشان‌دهنده نظامی از نهادهای دولتی متوازن و متقابل در قوای مقننه و مجریه است.

گفتار دوم. وضعیت حقوق بشر در عراق

قانون اساسی عراق، برخی از حقوق و آزادی‌ها را برای شهروندان تعیین می‌کند، اما در عمل، حقوق بشر در عراق بسیار نقض می‌شود. رایج‌ترین مشکلات در اجرای حقوق بشر در عراق به نقض حقوق زنان و اقلیت‌ها، عدالت‌گزینی، فساد و محدودیت در آزادی بیان مربوط است.^۱

بند اول. نقض حقوق زنان در عراق

زنان با تبعیض و نقض حقوق خود از جمله خشونت خانگی، ازدواج اجباری، دسترسی محدود به آموزش و مراقبت بهداشتی مواجهند. این تخلفات ناشی از عوامل متعددی است:

یک. فرهنگ و سنت‌های اسلامی در شکل دادن به نگرش به زنان در عراق نقش مهمی دارد. برخی از جنبه‌های فرهنگ و سنت‌های اسلامی مانند تقدم مردان، تبعیت زنان از مردان، تابعیت زنان و محدودیت‌های آزادی تردد و اقامت و سبک پوشش، زنان را در موقعیتی بسیار آسیب‌پذیر و وابسته به مردان قرار می‌دهد.

دو. سال‌های طولانی درگیری و جنگ در عراق منجر به فروپاشی ساختارهای اجتماعی و تضعیف نظم و قانون شده است که نقض حقوق زنان را تشدید می‌کند و مانع از واکنش به موقع به تخلفات انجام‌شده علیه آن‌ها می‌شود.

سه. نگرش سنتی موجود به نقش زنان در جامعه، امکان دریافت تحصیلات مطلوب و گاه حتی کمک‌های پزشکی را برای زنان منتفی می‌کند که این امر باعث پایین آمدن موقعیت اجتماعی آن‌ها و شکل‌گیری نگرش پیچیده بی‌احترامی نسبت به آن‌ها می‌شود.

1. Nader, Laura, "Iraq and Democracy", in *Anthropological Quarterly* (Vol. 3), 2003, pp. 479-483.

با این حال، بهبود وضعیت تنها از طریق یک رویکرد سازمانی و حقوقی جامع حاصل می‌شود که نباید کورکورانه از کشورهای غربی یا حتی همسایه کپی شود. با توجه به سنت فرهنگی اسلامی توصیف شده در عراق، رسیدگی به مشکلات شناسایی شده باید بدون افراط‌گرایی بیش از حد انجام شود و برنامه‌های پیش‌گیری از خشونت مبتنی بر جنسیت که با ارزش‌های مردم عراق هم‌سو می‌شود و از قربانیان آن حمایت می‌کند، به تدریج، اجرا گردد. از جمله اولین گام‌ها برای تقویت برابری جنسیتی می‌توان به توسعه سازمان‌هایی اشاره کرد که به طور خاص با هدف حمایت از حقوق زنان، ارتقای آگاهی اجتماعی و ترویج فرهنگ نفی خشونت نسبت به جمعیت‌های آسیب‌پذیر خاص انجام می‌شوند.¹

بند دوم. عدالت‌گزینی، فساد و محدودیت در آزادی بیان

آزادی بیان و مطبوعات توسط قانون اساسی تضمین شده است، اما در عمل، روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر با پی‌گرد قانونی، خشونت و تهدید روبه‌رو می‌شوند. دلایل اصلی نقض آزادی رسانه و آزادی بیان در عراق چنین است:

یک - عراق، کشوری است که دوره طولانی بی‌ثباتی و درگیری سیاسی از جمله جنگ و مبارزه با تروریسم را پشت سر گذاشته است. این پیشینه تاریخی ایجاب می‌کند که دولت گاهی تدبیرهای امنیتی بیش از حد سخت‌گیرانه در پیش گیرد که به ناچار با محدودیت‌هایی از جمله دسترسی آسان و رایگان به اخبار و پخش رسانه‌ها همراه است تا از تکرار تنش‌های اجتماعی جلوگیری کند. دو - این واقعیت که بیش‌تر رسانه‌ها در عراق به طور مستقیم در اختیار دولت یا افراد وابسته به دولت هستند، ناگزیر منجر به کنترل کل برنامه رسانه‌ها با اراده دولت می‌شود.

سه - نبود ضمانت‌های قانونی و سازوکارهای حفاظت از آزادی روزنامه‌نگاری، بیان و مطبوعات منجر به مصونیت از مجازات برای آزار و اذیت، خودتنظیمی و سوء استفاده از قدرت در تعامل با سازمان‌های دولتی، از جمله مجریان قانون می‌شود.

1. Rashid, Hamid, "Constitutional guarantees of rights and freedoms in the Iraqi Constitution of 2005", in Journal of University of Babylon (Vol. 21, No. 3), 2013, pp. 647-663.

برای بهبود وضعیت باید اقداماتی انجام شود، از جمله: توسعه قانونی مقررات قانون اساسی در قوانین و مقررات فرعی عراق، ایجاد مجموعه هنجاری و سازوکارهای خاص برای حمایت از آزادی بیان، اجرای ممنوعیت‌های کیفری برای ایجاد مانع در مسیر فعالیت روزنامه‌نگاری و تجاوز از اختیارات قانون توسط مقامات مجری.

با وجود تضمین قانون اساسی برای دادرسی عادلانه، بسیاری از شهروندان عراقی به دلیل فساد و نقص در سیستم حقوقی از آن محروم هستند. دلایل پیدایش این مشکلات را می‌توان چنین برشمرد: یک. تحلیل نظام حقوقی موجود، نبود استقلال واقعی دادگاه‌ها در عراق و فراوانی فشار قوه مجریه و دیگر گروه‌های بانفوذ بر قضات را نشان می‌دهد.

دو. سطح ناکافی آموزش جمعیت منجر به مشکلات سواد حقوقی می‌شود که قشربندی اجتماعی را بین ساکنان مناطق فقیر و دورافتاده و ساکنان شهری افزایش می‌دهد و موانع بیش‌تری ایجاد می‌کند. سه. زیرساخت ناکافی قضایی، محدودیت‌های اقتصادی را بر دسترسی به عدالت تحمیل می‌کند. مکان و تعداد کم نهادهای قضایی بر احتمال حل و فصل منازعات اجتناب‌ناپذیر از طریق میانجی‌گری قانونی تأثیر منفی می‌گذارد.

چهار. اقتدار سازمان‌های مجری قانون نیز به دلیل خلأهای موجود در قوانین رویه‌ای عراق تضعیف شده است که به معافیت از مجازات و انحراف خودسرانه از قانون مجال می‌دهد.

پنج. کمبود وکلای واجد شرایط به ویژه در مناطق دورافتاده و فقیرنشین کشور، فیلتر اجتماعی و سازمانی برای دسترسی برابر به عدالت است.

برای بهبود دسترسی شهروندان به عدالت عادلانه، ارائه سازوکارهای واقعی برای تقویت استقلال قوه قضاییه و حمایت از حقوق بشر و هم‌چنین افزایش سواد حقوقی شهروندان و تسهیل دسترسی به خدمات حقوقی ضروری است. علاوه بر این، آگاهی‌بخشی به مردم در مورد حقوق و آزادی‌های تضمین‌شده و ارتقای آگاهی‌های حقوقی در جامعه ضروری است.^۱

۱. غفاری و نظری، پیشین.

بند سوم. نقض حقوق اقلیت‌ها

عراق با تنوع و تکثر قومی و مذهبی شناخته می‌شود و ترکیب جمعیتی‌اش را بر اساس برآوردهای غیر رسمی، ۶۰ درصد اعراب شیعه، ۱۵ تا ۲۰ درصد کرد، ۱۷ تا ۲۰ درصد اعراب سنی و ۳ درصد مسیحیان تشکیل می‌دهند. شکاف‌های قومی و مذهبی، در آرایش نیروها در زندگی سیاسی عراق نقش مهمی ایفا می‌کند. تعمیق این شکاف، نه تنها باعث بلوک‌بندی اجتماعی و سیاسی خواهد شد، بلکه تعدیل و تخفیف این شکاف در آینده نزدیک نیز آسان نخواهد بود. در چنین حالتی، دموکراسی اکثریت‌گرا که در قانون اساسی عراق پیش‌بینی شده است، با وجود این شکاف‌های مذهبی و قومی، بدبینی شدید نیروهای سیاسی و هر یک از گروه‌های قومی و مذهبی نسبت به یکدیگر می‌تواند عراق را به سمت چالش سوق دهد.^۱

اقلیت‌هایی که عمدتاً کردها، مسیحیان و ایزدی‌ها هستند، با محدودیت‌هایی در دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و هم‌چنین تبعیض از سوی دولت مواجه هستند. در عین حال، اقلیت‌های مذهبی با آزار و اذیت و خشونت گروه‌های دیگر و محدودیت‌هایی از سوی دولت مواجهند. تبعیض از سوی دولت و دیگر گروه‌ها می‌تواند به شکل محدودیت در دسترسی به آموزش، مراقبت بهداشتی، مسکن و دیگر منابع و هم‌چنین خشونت و سوء استفاده از سوی اعضای غیر اقلیت دولت (سازمان‌های اجرای قانون) باشد. دلایل تبعیض را می‌توان به طور کلی چنین خلاصه کرد:^۲

یک. سنت تاریخی و فرهنگی عراق به عنوان کشوری با اکثریت مسلمان شیعه، برای مدت طولانی، تسلط نمایندگان آنان را در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور حفظ کرده است. در این راستا، اقلیت‌ها از منظر حوزه سیاسی به عنوان درجه دوم تلقی می‌شوند.

دو. درگیری‌ها و تنش‌های چند دهه‌ای بین گروه‌های قومی و مذهبی مختلف در عراق، همان‌طور که توسعه یافته‌اند، هر گروه خاص ضعیف‌تر یا کوچک‌تر را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد.

سه. حضور سازمان‌های تروریستی مانند داعش باعث کاهش تحمل اقلیت‌هایی می‌شود که برای این سازمان‌ها، «کافر» و «ناخوشایند» تلقی می‌شوند.

۱. سیف‌زاده، سید حسین، عراق: ساختارها و فرآیند‌گرایی‌های سیاسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱.

2. McGarry, John and O'Leary, Brendan, "Iraq's Constitution of 2005: Liberal Consociation as Political Prescription", in International Journal of Constitutional Law (Vol. 5), 2007, pp. 670-698.

در این زمینه، حتی بخش‌هایی از جمعیت که به چنین سازمان‌هایی تعلق ندارند، برای جلوگیری از مشکلات اضافی، مراقب این دسته‌بندی‌های جمعیتی هستند. این نقض‌ها نشان می‌دهد که حقوق و آزادی‌های شهروندان عراقی در خطر است. باید برای تقویت حقوق و آزادی‌های شهروندان عراقی و مبارزه برای حمایت جهانی از آن‌ها به کار ادامه داد. گرچه شاید بتوان آن را بهانه تلقی کرد، اما ساختار دولتی اسلاف تاریخی دولت عراق همیشه واقعاً قانون اساسی نبوده است؛^۱ یعنی بر اساس یک قانون هنجاری حقوقی بالاترین قوه قانونی نبوده است و اولین قدمت قانون اساسی عراق تنها به سال ۱۹۲۵ برمی‌گردد.

چنین محدودیتی در موضوع تحقیق، ناگزیر موجب حذف قابل توجهی در درک سیر تحول مشروطیت عراق خواهد شد؛ زیرا در این صورت، چندین هزار سال که از شکل‌گیری فرهنگ حقوقی عراق می‌گذرد، خارج از محدوده تحلیل تاریخی و حقوقی باقی می‌ماند. علاوه بر این، بر اساس داده‌های تاریخی موجود، این یا آن شکلی از کشورداری همیشه در سرزمین عراق وجود داشته است. به عبارت دیگر، هر دوره از تاریخ عراق با حضور مقامات دولتی و دستگاهی بوروکراتیک مشخص می‌شود که در یک سرزمین خاص اعمال قدرت می‌کنند و دستورهای خود را برای جمعیت ساکن در آن الزام‌آور می‌سازند.

موضوع قانون اساسی به طور سنتی شامل روابط حقوقی در مورد سازمان‌دهی و اعمال این قدرت می‌شود. برای اهداف این مطالعه به نظر می‌رسد این فرض وجود داشته باشد که برخی از عناصر «قانون اساسی» دولت عراق (دولت‌هایی که عبارتند از: پیشینیان تاریخی عراق) را می‌توان مدت‌ها قبل از تصویب اولین قانون اساسی عراق به معنای حقوقی رسمی این واژه مشاهده کرد (یعنی از زمان ظهور اولین نهادهای دولتی در قلمرو عراق مدرن و سرزمین‌های مجاور آن). چنین فرضی از نظر روش شناختی سازنده است؛ زیرا شکی نیست که مشروطیت در درک جهانی خود که در پایان قرن هجدهم تا اوایل نوزدهم پدید آمد، محصول تعمیم یک تاریخ طولانی است؛ تجربه‌ای که از دوران باستان سرچشمه می‌گیرد.^۲

1. Haider, Hamoudi, "Religious Minorities and Shari'a in Iraqi Courts", in Boston University International Law Journal (Vol. 31), 2013, pp. 387-412.

2. Jensen, op.cit.

گفتار سوم. چالش‌های حقوق بشر مبتنی بر قانون اساسی در عراق

حکومت عراق، جمهوری، فدرال، دموکراتیک و کثرت‌گراست. عراق، کشوری چندملیتی، چندمذهبی و چند فرهنگی است. آزادی مذهبی و آزادی برگزاری مراسم مذهبی به رسمیت شناخته شده است. دین رسمی کشور، اسلام است. در عراق، قانون اساسی جدید بر مبنای فدرالیسم تصویب شده و همه نیروهای سیاسی، قومی و مذهبی (و بیش‌تر نیروهای سیاسی شیعه از جمله مجلس اعلای انقلاب اسلامی به رهبری حکیم) با آن موافق هستند و زبان کردی را که زبان ۱۸ درصد مردم عراق است، در کنار زبان عربی که زبان حدود ۷۵ درصد مردم عراق است، رسمی اعلام کرده‌اند. قانون اساسی جدید عراق علاوه بر زبان‌های عربی و کردی، زبان‌های سریانی، ارمنی و ترکمنی را در مناطق و استان‌های خودشان رسمی اعلام و تدریس آن‌ها را در مدارس اجباری کرده است.^۱

بند اول. کاستی‌های نهادی در نظام قانون اساسی عراق

یکی از کاستی‌های آشکار در تفکیک ضعیف قوا در میان قوای مجریه، مقننه و قضاییه است. قوه مجریه به ریاست نخست وزیر قدرت بیش از حدی دارد که کارآیی قوه مقننه و قضاییه را محدود می‌کند. این تمرکز قدرت، کنترل و توازن را تضعیف می‌کند و منجر به سوء استفاده و فساد بالقوه می‌شود. علاوه بر این، قوه مقننه از نبود استقلال و نمایندگی قوی رنج می‌برد. احزاب سیاسی بر پارلمان تسلط دارند و نفوذشان بر منافع عموم مردم غلبه دارد. این ناتوانی، اراده قوه مقننه را برای اعمال اصلاحات معنادار و رسیدگی مؤثر به نگرانی شهروندان مختل می‌کند. یکی دیگر از کمبودهای مهم نهادی، ضعف نظام قضایی است. فساد، مداخله سیاسی و نبود استقلال قضایی، این کشور را آزار می‌دهد. به طور کلی، کاستی نهادی در نظام قانون اساسی عراق می‌تواند منجر به ناتوانی در اجرای قوانین و تصمیمات مهم، تضعیف حاکمیت قانون، فساد و ناتوانی در خدمات‌رسانی عمومی شود.^۲

دادگاه عالی فدرال با توجه به صلاحیت نظارتی خود در ضمانت از حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی دایم عراق در موارد متعددی با صدور حکم به مطابقت نداشتن قوانین و مقررات با قانون اساسی از حقوق و آزادی‌ها پاسداری کرده است. در حال حاضر، قوانین و مقررات بسیاری

۱. سیف‌زاده، پیشین.

2. Haider, op.cit.

در نظام حقوقی جمهوری عراق وجود دارند که سابق بر قانون اساسی دایم عراق در سال ۲۰۰۵ در عراق به تصویب رسیده‌اند که با این قانون اساسی در تعارضند و به دلیل نبود درخواست رسیدگی، در دادگاه عالی فدرال نیز بررسی نشده‌اند. بسیاری از قوانین و مقررات یادشده وفق ماده ۱۳۰ قانون اساسی دایم عراق که مقرر می‌دارد: «قوانینی که در این قانون لغو یا اصلاح نشده‌اند، نافذ باقی می‌مانند»، لازم‌الاجرا باقی مانده‌اند.^۱

برخی از کاستی‌های نهادی در نظام قانون اساسی عراق را می‌توان چنین برشمرد:

یک. نبود استقلال قوه قضاییه: یکی از کاستی‌های نهادی در سیستم قانون اساسی عراق، استقلال نداشتن قوه قضاییه است. در عمل، قوه قضاییه تحت تأثیر قوه‌های اجرایی و سیاسی قرار دارد که به نقض استقلال و قدرت قضایی منجر می‌شود.

دو. کاستی‌های نهادی و قانونی در زمینه حقوق بشر: عراق با نقض جدی حقوق بشر روبه‌روست. این موضوع ممکن است ناشی از کاستی‌های نهادی در نظام قانون اساسی باشد که حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندان را به طور کامل تأمین نمی‌کند.

سه. فساد: ضعف اجرای قوانین در ساختار قضایی، نظارت ناکافی بر عملکرد نهادهای دولتی و ضعف در نظام حکمرانی ممکن است به فساد نظام‌مند در کشور تبدیل شود.

چهار. نبود توازن قوا: در عمل، قوه‌های اجرایی و تشریعی دارای قدرت بیش‌تری هستند و قوه قضاییه و نهادهای کنترلی ممکن است کم‌ترین قدرت را داشته باشند. این موضوع می‌تواند به تضعیف توافق در نظام قانون اساسی تبدیل شود.

پنج. انطباق نداشتن با استانداردهای بین‌المللی: قانون اساسی عراق در برخی موارد با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، پیمان‌ها و اعلامیه‌های حقوق بشر سازمان ملل هم‌خوانی ندارد. حقوق اساسی و برخی آزادی‌های شهروندان در قانون اساسی عراق به طور کامل تضمین نشده است.

به طور کلی، این کاستی‌ها نشان می‌دهد که نظام حقوق اساسی عراق هنوز با چالش‌هایی

۱. پوراحمدی بغدادآباد، آتنا، «مطالعه تطبیقی نهادهای ملی حمایت از حقوق بشر در ایران و عراق»، مطالعات حقوق، شماره ۲۵، ۱۴۰۱، ص ۲۱.

روبه‌روست و نیاز به بهبود و تقویت قانون دارد. این بهبود و تقویت بشر می‌تواند از طریق اصلاحات نهادی، تقویت استقلال قوه قضاییه، تضمین حقوق و مبارزه با فساد و توازن قوا انجام شود.

بند دوم. دخالت سیاسی و فساد در نظام قانون اساسی عراق

در عراق، مداخلات سیاسی و فساد در نظام قانون اساسی وجود دارد که به تضعیف حاکمیت قانون و حقوق بشر منجر می‌شود. برای مثال، تصمیمات قضایی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد و به نفع گروه‌های سیاسی قدرتمند تغییر کند. هم‌چنین فساد در نهادهای دولتی و قضایی رایج است که باعث تضعیف اعتماد عمومی و اجرای عادلانه قوانین می‌شود. برخی از موارد فساد شامل رشوه دادن، تبانی و سوء استفاده از قدرت توسط مقامات دولتی است. این فساد می‌تواند به ناتوانی نهادهای نظارتی منجر شود و از توانایی آن‌ها در مبارزه با فساد و حفظ حقوق بشر بکاهد. توازن قوا نیز در نظام قانون اساسی عراق تضعیف شده است؛ زیرا قوه‌های اجرایی و تشریعی قدرت بیش‌تری دارند و قوه قضاییه به‌طور کامل، استقلال خود را نشان نمی‌دهد. این نبود توازن قوا می‌تواند به تضعیف نهادهای کنترلی و توازن قوا منجر شود و از اجرای عادلانه قوانین و حقوق بشر بین‌المللی جلوگیری کند. بهبود و تقویت نظام قانون اساسی عراق به اصلاحات نهادی، تقویت استقلال قوه قضاییه، تضمین حقوق و مبارزه با فساد و توازن قوا ضرورت دارد.¹

مداخله سیاسی و فساد، دو چالش مهمی است که در نظام قانون اساسی عراق وجود دارد. این مسائل می‌تواند تأثیر مخربی بر اثربخشی و یک‌پارچگی نظام قانون اساسی داشته باشد. در این جا نگاهی دقیق‌تر به هر یک از این مشکلات می‌اندازیم:

یک. مداخله سیاسی: به نفوذ و دست‌کاری بازیگران سیاسی در فرآیند تصمیم‌گیری و عملکرد نهادهای قانونی اشاره دارد. در عراق، مداخله سیاسی می‌تواند به این صورت‌ها ظاهر شود: انتصاب قضات و دیگر مقامات قضایی بر اساس گرایش سیاسی و نه شایستگی، فشار بر قوه قضاییه برای تصمیم‌گیری‌هایی که با دستور کار سیاسی گروه‌ها یا افراد خاص هم‌سو باشد، نفوذ سیاسی بر روند قانون‌گذاری که منجر به قانون‌گذاری مغرضانه یا ناقص می‌شود، دست‌کاری قوه مجریه برای دور زدن یا تضعیف حاکمیت قانون. به هر حال، مداخله سیاسی، استقلال و بی‌طرفی قوه قضاییه و تفکیک قوا را تضعیف می‌کند و اعتماد عمومی به نظام قانون اساسی را از بین می‌برد.

1. Ammar, op.cit.

دو. فساد: شامل سوء استفاده از قدرت و منابع برای منافع شخصی است. در عراق، فساد، مشکلی فراگیر است که بخش‌های مختلف از جمله دولت، قوه قضاییه، ارتش و نهادهای نظارتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از مصادیق فساد در نظام قانون اساسی عبارتند از: رشوه و اختلاس در داخل قوه قضاییه که منجر به نتایج ناعادلانه قانونی و به خطر افتادن عدالت می‌شود، خویشاوندی و طرفداری در انتصاب مقامات دولتی، تضعیف شایسته‌سالاری و کارآمدی، سوء استفاده از وجوه عمومی اختصاص یافته برای خدمات ضروری و توسعه زیرساخت‌ها و اعمال غیر قانونی در روند قانون‌گذاری منجر به تصویب قوانینی می‌شود که به جای منافع عمومی، منافع شخصی را تأمین می‌کند.

آمار موجود، وسعت مداخله سیاسی و فساد را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش مأموریت سازمان ملل متحد برای عراق (یونامی)، در سال ۲۰۲۰، بیش از ۴ هزار غیر نظامی در عراق جان باختند که این تلفات نتیجه مستقیم چالش‌ها و درگیری‌های امنیتی است که هم‌چنان کشور را آزار می‌دهد. علاوه بر این، مرکز نظارت بر جابه‌جایی داخلی تخمین می‌زند که بیش از ۴.۱ میلیون آواره داخلی در عراق وجود دارد که بسیاری از آن‌ها به دلیل درگیری‌ها و خشونت‌های جاری مجبور به فرار شده‌اند.^۱

چالش‌های امنیتی بر نظام قانون اساسی این کشور تأثیر عمیقی داشته است؛ چون عملکرد آن را مختل می‌کند و مانع دسترسی به عدالت و حمایت از حقوق بشر می‌شود. فرسایش حاکمیت قانون، دسترسی محدود به عدالت و نقض گسترده حقوق بشر، همگی پی‌آمدهای خشونت و بی‌ثباتی مداوم است. برای جامعه بین‌المللی حمایت از عراق در رسیدگی به این چالش‌ها و تقویت نظام قانون اساسی آن برای تضمین حمایت از حقوق بشر و حاکمیت قانون بسیار مهم است.

گفتار چهارم. چالش‌های بین‌المللی حقوق بشری در عراق

عراق با نقض حقوق بشر متعدد از جمله قتل‌های فراقانونی، شکنجه و دستگیری‌های خودسرانه دست‌خوش چالش بوده است. این نقض‌ها در تضاد مستقیم با استانداردها و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر است که عراق آن را تصویب کرده است. پای‌بندی نداشتن به قوانین بین‌المللی حقوق بشر نه تنها اعتبار نظام حقوقی عراق را تضعیف می‌کند، بلکه مانع پیشرفت کشور به سوی ثبات و توسعه می‌شود.^۲

۱. زوفین، حمد، ضمان الحقوق والحريات وفق الدستور و القانون الجنائي في العراق، جامعة كاشان، ۲۰۲۰.

2. Zaid and Yussef, op.cit.

چالش دیگر به موضوع پاسخ‌گویی و مصونیت از مجازات مربوط می‌شود. در بسیاری از موارد، افرادی که مسئول نقض حقوق بشر هستند، با بی‌کیفری مواجهند. به طور کلی، چالش‌ها و تعارض‌های نظام حقوقی عراق از دیدگاه حقوق بین‌الملل عبارتند از:

۱. تطابق نداشتن با استانداردهای حقوق بین‌الملل: قوانین و سیاست‌های عراق باید با استانداردهای حقوق بین‌الملل تطابق داشته باشند که شامل تطابق با پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و حقوق بشر است.

۲. ضعف در حفاظت از حقوق بشر: عراق هم‌چنان با چالش‌های جدی در حفاظت از حقوق بشر مواجه است، از جمله نقض حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها و حقوق مهاجرین. این مسئله با استانداردهای حقوق بین‌الملل در تضاد است.

۳. نقض حقوق بشر در زمان جنگ: در طول سال‌های جنگ در عراق، گزارش‌های بسیاری از نقض حقوق بشر و جنایات جنگی اعلام شده که شامل کشتارها، شکنجه و آزار و اذیت غیر قانونی افراد است که با استانداردهای حقوق بین‌الملل در تضاد است.

۴. نقض حقوق بشر در زمان تحقیقات و دادگاه: گزارش‌هایی نشان می‌دهند که در فرآیند تحقیقات و دادگاه در عراق، حقوق بشر نقض می‌شود. این شامل شکنجه، دستگیری و دسترسی نداشتن به وکیل است که با استانداردهای حقوق بین‌الملل در تضاد است.

۵. تعارض در قوانین داخلی و بین‌المللی: در برخی موارد، قوانین داخلی عراق با قوانین بین‌المللی در تعارض است و می‌تواند به تضعیف حقوق بشر و حاکمیت قانون در عراق منجر شود.

نتیجه‌گیری

دولت عراق در سال ۲۰۱۷، مؤسسه ملی حقوق بشر را ایجاد کرد که هدف آن، حفاظت از حقوق و آزادی‌های شهروندان است. این مؤسسه، سازمانی مستقل است که نقض حقوق بشر را رصد می‌کند و ضمن همکاری با سازمان‌های دیگر که با حقوق بشر سروکار دارند، حقوق بشر را آموزش می‌دهد. علاوه بر این، دولت عراق، قوانین و سیاست‌هایی را در زمینه حقوق بشر با هدف حمایت از حقوق

۱. زوفین، پیشین.

شهروندان در سال‌های اخیر تدوین کرده است. برای مثال، قانون خشونت خانگی برای حمایت از زنان و کودکان در برابر خشونت خانگی تصویب شد. هم‌چنین یک سیاست حقوق بشری تعیین شد که شامل اقداماتی برای تقویت حقوق بشر در عراق است. اقداماتی برای بهبود وضعیت زنان و کودکان از جمله تعیین سهمیه زنان در مجلس و مناصب دولتی و ممنوعیت ازدواج کودکان نیز انجام شده است. علاوه بر این، دولت عراق، چندین توافق‌نامه بین‌المللی را با هدف حمایت از حقوق بشر امضا کرده است، مانند: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

با این حال، چشم‌انداز توسعه بیش‌تر حقوق بشر در عراق مبهم است. از یک سو، دولت عراق، اقداماتی را برای بهبود وضعیت در زمینه حقوق بشر انجام داده است، ولی هنوز مشکلات مربوط به حقوق بشر در عراق وجود دارد، از جمله نقض آزادی بیان، محدودیت در اعتراضات مسالمت‌آمیز، نقض حقوق زنان و کودکان، فساد و موارد دیگر. برای دستیابی به استانداردهای بالاتر حقوق بشر در عراق، دولت باید به تلاش‌های خود در این زمینه ادامه دهد و راه‌های جدیدی برای حل این مشکلات در نظر بگیرد. اجرای این اقدامات ممکن است مستلزم تلاش و زمان قابل توجه و هم‌چنین همکاری بین دولت، سازمان‌های جامعه مدنی و مردم باشد. با این وجود، بر این باوریم که چشم‌اندازهایی برای توسعه بیش‌تر حقوق بشر در عراق وجود دارد و با رویکرد صحیح و عزم دولت و جامعه می‌توان به پیشرفت‌های چشم‌گیری در این زمینه دست یافت.

توجه به دیدگاه‌های بین‌المللی و تحلیل آن‌ها نشان می‌دهد انعکاس نیافتن عینی و عملیاتی اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی و مؤثر نبودن این اسناد در ایجاد یا اصلاح قوانین و نیز استناد نکردن محاکم در دعاوی به این اسناد از عمده‌ترین چالش‌های عراق با جامعه جهانی است؛ زیرا ویژگی بارز اسناد حقوق بشری آن است که دولت‌های عضو را متعهد می‌کند قوانین داخلی را بر اساس تعهدات خود تنظیم کنند. با توجه به همین امر و با در نظر گرفتن این مسئله که تفاوت ماهوی دو نظام حقوقی به ایجاد این چالش منجر شده است، نهادهای نظارتی سازمان ملل متحد بارها با صدور قطع‌نامه‌ها و نظریه‌های متعدد از عراق خواسته‌اند که تعهدات بین‌المللی خود را انجام دهد. نظام حقوقی عراق نیز همانند هر نظام حقوقی در حال تغییر و تحول است و گاهی تغییرات انجام‌شده در راستای تعهدات بین‌المللی عراق و در انطباق با دیدگاه بین‌المللی است.

در واقع، ابتدای حقوق عراق بر حقوق اسلام و تأثیر آن بر روابط بین‌الملل عراق با جامعه جهانی به معنای انکار مطلق تأثیر اسناد حقوق بشری در حقوق داخلی عراق نیست و نمی‌توان به طور مطلق انکار کرد که اسناد حقوق بشری هیچ تأثیری بر تغییر و تحولات حقوق داخلی نداشته، بلکه همین تأثیرات سبب شده است در خصوص معایب و کاستی‌های نظام حقوقی داخلی منصفانه‌تر برخورد کنیم و بپذیریم که نظام حقوقی عراق با معایبی روبه‌روست که ضمن حفظ حریم قوانین داخلی می‌توان هوشمندانه‌تر و با درایت بیش‌تری در عرصه بین‌المللی وارد شد و پروژه بومی‌سازی حقوق بشر را در مسیر منطقی‌تری قرار داد.

تلاش نظام حقوقی برای ایجاد برابری میان دیه زن و مرد با ابزارهایی همانند بیمه یا ایجاد امکان اعمال مجازات اعدام جای‌گزین رجم در قانون مجازات جدید یا افزایش تعداد نهادهای مدنی مدافع حقوق زنان در عراق، نه فقط متأثر از تحولات اجتماعی داخلی است، بلکه به صورت غیر مستقیم، نشانه تأثیرگذاری دیدگاه حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی عراق و گزارش‌های نهادهای حقوق بشری بر عراق است که قانون‌گذار را واداشته است برای ایجاد چهره موجه بین‌المللی در جامعه جهانی، با توسل به ابزارهای بومی، برخی موارد تعارض را اصلاح کند. البته این اصلاحات و تحولات عراق نیز از نظر جامعه جهانی نادیده نمانده و در گزارش‌های متعدد نهادهای بین‌المللی به این تحولات اشاره شده است.

بنابراین، تدوین برخی قوانین جدید متأثر از الحاق عراق به کنوانسیون‌های بین‌المللی به طور مستقیم در راستای انجام تعهدات بین‌المللی بوده است و نشان می‌دهد جامعه جهانی، نهادهای نظارتی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی و توجه به دیدگاه‌های بین‌المللی راجع به اجرای تعهدات بین‌المللی می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم، حقوق داخلی نه فقط عراق، بلکه همه کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار دهد. همین تأثیرگذاری، بخشی از فلسفه وجودی انعقاد معاهدات است که با استفاده از عبارت «ایجاد تأثیر عملیاتی و داخلی» در اسناد متعدد به آن اشاره می‌شود. بر این اساس، دولت‌ها ملزمند که تعهدات بین‌المللی خود را در قوانین داخلی انعکاس دهند و تعهدات را در عمل و به طور عینی به ویژه در محاکم خود به انجام برسانند. درج این عبارت برای بازداشتن دولت‌ها از الحاق سیاسی به کنوانسیون‌هاست؛ زیرا برخی دولت‌ها صرفاً برای حفظ وجهه حقوق بشری خود در جامعه جهانی یا برای سرکوب انتقادات داخلی به کنوانسیون‌ها

ملحق می‌شوند، ولی در عمل، تغییری در حقوق داخلی خود نمی‌دهند. بنابراین، از دیدگاه حقوق بین‌الملل، یک کشور زمانی متعهد واقعی به تعهدات بین‌المللی خود شمرده می‌شود که تدبیرهای اجرایی و عملیاتی را برای وضع یا اصلاح قوانین داخلی یا عرف یا رویه موجود و در راستای اجرای مفاد کنوانسیون‌های جهانی به کار گیرد.

نظام حقوق داخلی عراق در کنار استفاده از ابزارها و نهادهای متعدد حقوقی برای بومی‌سازی محتوای اسناد حقوق بشری، همانند استفاده از نهاد بیمه در برابری دیه زن و مرد باید در اجرای حق شرط در الحاق به کنوانسیون‌های یادشده با دقت بیش‌تری عمل کند. عراق باید با تعیین موارد دقیق حق شرط به جای عبارت کلی «مخالفت نداشتن با قوانین داخلی و اسلام»، چارچوب دقیق تعهدات خود را مشخص سازد و هرگونه ابهام در خصوص این نحوه اقدام عراق به منظور امکان نقض اسناد یادشده را در عمل از بین ببرد. در چنین وضعیتی می‌توان با اطمینان از مغایرت نداشتن تعهدات پذیرفته‌شده از سوی عراق با قواعد اسلام به این‌گونه اسناد ملحق شد و در عین حال، از اجرای تعهدات بین‌المللی عراق و اولویت آن بر مقررات داخلی مطمئن گردید. این شیوه عملکرد، تأمین‌کننده دیدگاه حقوق بین‌الملل در خصوص نحوه تأثیرگذاری اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی کشورها نیز خواهد بود؛ زیرا بر اساس دیدگاه‌های حقوق بین‌الملل، اگر کشوری بخواهد به اسناد حقوق بشری ملحق شود، ایدئال این است که نظام «وحدت» یا «دوگانگی با اولویت حقوق بین‌الملل» را در پیش گرفته باشد. چون از نگاه حقوق بین‌الملل و نهادهای مسئول اجرای حقوق بشر در دنیا، عراق، نظام دوگانگی را اختیار کرده است، تعیین دقیق موارد حق شرط هنگام الحاق با توجه به محتوای حقوق اسلام، برتری تعهدات بین‌المللی عراق را در برابر قواعد داخلی حتی در نظام دوگانه تضمین می‌کند.

نکته پایانی این است که حقوق بین‌الملل در روند تکاملی خود دیگر صرفاً به رابطه دولت با دولت نمی‌پردازد. در این روند، نه تنها در رابطه دولت با مردم مداخله می‌کند، بلکه برای ایجاد مشروعیت برای مداخله در روابط افراد با افراد می‌کوشد که با عنوان «انسانی‌سازی حقوق بشر» از آن نام می‌برند. در واقع، روند تکاملی حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، حاکمیت دولت‌ها را به نوعی دست‌خوش تغییر و چالش می‌سازد و بدیهی است که دولت‌ها به راحتی این تحول را نمی‌پذیرند و همین واکنش دولت‌ها، حقوق بین‌الملل را به سمت بومی‌سازی حقوق بشر و در نظر گرفتن بستر

فرهنگی و مذهبی هر کشور سوق می‌دهد. هر چند بارها در اسناد بین‌المللی بیان می‌شود که عرف و مذهب و قوانین داخلی نباید مستمسک اجرا نشدن تعهدات بین‌المللی دولت‌ها باشد، اما غفلت از این عوامل، اشتباهی فاحش در تنظیم روابط میان دولت‌هاست.

با این حال، یکی از چالش‌های اصلی پیش روی حقوق اساسی عراق، ضعف در استقلال قضایی است. توانایی قوه قضاییه برای حمایت از حاکمیت قانون و حمایت از حقوق قانون اساسی بر اثر نفوذ سیاسی و فساد مختل شده است. قضات بیش‌تر وقت‌ها با ارباب و تهدید مواجه می‌شوند که به تصمیم‌گیری‌هایی مغرضانه منجر می‌شود که اصول عدالت و انصاف را تضعیف می‌کند. برای تقویت نظام حقوق اساسی، اطمینان از استقلال قوه قضاییه، نفی مداخله سیاسی و ایجاد سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی به کسانی که حاکمیت قانون را تضعیف می‌کنند، بسیار مهم است.



فهرست منابع

۱. فارسی

۱. احمدی، فرج‌الله و یاسر قزوینی حایری، «فرآیند تصویب قانون اساسی عراق»، فصل‌نامه سیاست، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۹.
۲. بهرامی، سیامک، «برداشتی سازه‌نگارانه از ریشه‌های تروریسم در غرب آسیا»، مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره ۷۷، ۱۳۹۶.
۳. پوراحمدی بغدادآباد، آتنا، «مطالعه تطبیقی نهادهای ملی حمایت از حقوق بشر در ایران و عراق»، مطالعات حقوق، شماره ۲۵، ۱۴۰۱.
۴. سیف‌زاده، سید حسین، عراق؛ ساختارها و فرآیند گرایش‌های سیاسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۵. صلاحی، سهراب و علی بهادری جهرمی، «ساختارهای اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق؛ مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره سوم، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۶. غفاری، هدی و فاطمه نظری، «بررسی و تبیین جایگاه شریعت در نظام حقوقی کشور عراق با تأکید بر نقش مرجعیت»، مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و ششم، شماره ۳، ۱۳۹۵.

۲. عربی

۱. زوفین، حمد، ضمان الحقوق والحريات وفق الدستور والقانون الجنائي في العراق، جامعة كاشان، ۲۰۲۰.

3. Latin Source

1. Ammar Raad Ali Jihad, Constitutional and Human Rights Issues and Trends in The Republic of Iraq: Struggling on the Way- ESTUDIOS CONSTITUCIONALES, 2023.
2. Haider, Hamoudi, "Religious Minorities and Shari'a in Iraqi Courts", in Boston University International Law Journal (Vol. 31), 2013, pp. 387-412.
3. Hanoosh, Yasmeeen, The Chaldeans. Politics and Identity in Iraq and the American Diaspora London, I. B. Tauris Bloomsbury Publishing Plc), International Law Journal (Vol. 31), 2019, pp. 387-412.

4. Jensen, Erik, Introduction to the Laws of Iraq and Iraqi Kurdistan. Series Overview (Stanford, Stanford Law School), 2013, pp. 2-10.
5. McGarry, John and O'Leary, Brendan, "Iraq's Constitution of 2005: Liberal Consociation as Political Prescription", in International Journal of Constitutional Law (Vol. 5), 2007, pp. 670-698.
6. Nader, Laura, "Iraq and Democracy", in Anthropological Quarterly (Vol. 3), 2003, pp. 479-483.
7. Rashid, Hamid, "Constitutional guarantees of rights and freedoms in the Iraqi Constitution of 2005", in Journal of University of Babylon (Vol. 21, N. ° 3), 2013, pp. 647-663.
8. Zaid, Al-Ali and Yussef, Auf, The Iraqi Constitution: Analysis of the Controversial Articles. Solutions and Recommendations (Friedrich-Ebert-Stiftung Jordan & Iraq), 1st edition, 2020.



Challenges facing Iraq's constitutional rights system in the light of international human rights

Dzhwar Anwar ahmad¹

Ebad Rouhi²

Javanmir Abdollahi³

abstract

Iraq's constitutional system faces multifaceted challenges in the light of international human rights laws. This article examines the key issues that hinder the effective implementation and enforcement of the constitutional rights system in Iraq. The main challenge is the lack of awareness and understanding of fundamental rights among citizens, which has been aggravated by years of dictatorship and political chaos. Iraq's constitutional framework has evolved through a complex interplay of historical factors, colonial legacy, religious, sectarian and ethnic divisions. The current constitution, which was approved in 2005, declares Iraq a federal and parliamentary Islamic republic that guarantees human rights and defines the powers of judicial authorities. However, in practice, human rights are frequently violated in Iraq, women and minorities face discrimination and limited access to education and health care. This article discusses the promotion of legal education and awareness campaigns to strengthen Iraq's constitutional rights system and address constitutional human rights challenges. The results of this research show that increasing the Iraqi people's understanding of their legal rights is very important for the accountability of the government and the rule of law. It also emphasizes the adoption of a comprehensive legal and organizational approach to improve the human rights situation in Iraq, emphasizing gradual and culturally coordinated programs to prevent gender-based violence and support victims.

KeyWords: Iraqi constitutional rights, international law, human rights, constitution.

1. PhD student in public law, Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.dzhwar.jnp@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, (Corresponding Author) ibadruhi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, j.abdollahi@uok.ac.ir